گزارش یک

زهرا چیذری

«فقر فرهنگی» کودکان خیابانی را به چهارراه می‌آورد

مدیر کل بهزیستی تهران: از بین خانواده‌های کودکان ایرانی حاضر در خیابان تقریباً ما خانواده نیازمندی شناسایی نکردیم بلکه خانواده‌هایی بودند که به‌لحاظ فرهنگی معتقدند کودک باید کار کند

انگار معصومیت کودکی‌شان را هم پشت چراغ قرمز چهارراه‌ها جا گذاشته‌اند! درست از همان روزی که والدینشان در دو دو تا چهار تای زندگی روی آنها هم حساب باز کردند و برای بهره‌برداری از معصومیت کودکانه‌شان نقشه کشیدند. بچه‌هایی که برای همه ما آشنا هستند و هر کداممان بارها برای خلاص‌شدن از دستشان در مترو یا پشت چراغ قرمز چهارراه‌ها و در کوچه و خیابان هزار ترفند به کار برده‌ایم و خیلی وقت‌ها هم در نهایت معصومیت نگاه‌شان بر ما پیروز شده و با شاخه گلی پلاسیده یا یک بسته آدامس و فالی در دست از نبرد با کودکان خیابانی که از قضا خیلی‌هایشان به واسطه فقر نیست که سر از چهارراه در آورده‌اند، بیرون آمده‌ایم! کودکانی که انگار این‌بار ساماندهی‌شان کمی جدی‌تر از دفعات قبل بوده و حضور ملموس‌شان را کمتر از برخی مقاطع حس می‌کنیم.

کودکان خیابانی را دیگر همه ما می‌شناسیم و بارها با آنها مواجه شده‌ایم. همان بچه‌هایی که ممکن است دقایقی را برای فروش یک آدامس یا فال و شاخه‌ای گل به لباسمان آویزان شوند و تا کالایشان را به ما نفروشند، رهایمان نکنند! بچه‌هایی که ممکن است خیلی وقت‌ها از روی دلسوزی از آنها خرید کنیم، اما آنطور که مسئولان امر می‌گویند جدای از فقر فرهنگی خانواده‌های این کودکان، انگار وضعیت مالی و اقتصادی اغلب آنها چندان هم بد نیست! جالب‌تر از همه اینکه این کودکان بیشترشان هموطنمان نیستند و اغلب اتباع غیرمجازی هستند که برای کسب درآمد به سر چهارراه‌ها فرستاده می‌شوند و این حضور در خیابان از روی فقر نیست، بلکه ناشی از فرهنگ خانوادگی این بچه‌هاست. به عبارت درست‌تر این کودکان متعلق به خانواده‌هایی هستند که بیش از فقر مالی از فقر فرهنگی رنج می‌برند و به جای ساختن آینده فرزندانشان، آینده این کودکان معصوم را بر سر چهارراه‌ها و در مسیر گدایی یا دستفروشی نابود می‌کنند.

■ فقیر نیستند

کمتر شدن حضور کودکان خیابانی در سطح خیابان و مترو و اماکن شلوغ شهر برای همه ما مشهود است. طرح ساماندهی این کودکان که هر از چند گاه اجرا می‌شود و دوباره روز از نو و روزی از نو، این‌بار ملموس‌تر از دفعات قبلی اجرایی شده‌است. مهدی نصیری، مدیر کل بهزیستی تهران هم در این‌باره می‌گوید: «در یک سال‌ونیم گذشته ۴هزارو۶۶۳ کودک حاضر در چهارراه‌ها ساماندهی شدند که ۸۵درصدشان اتباع بودند.»

وی با تأکید بر اینکه حضور کودک در موقعیت خیابان عنوان مجرمانه است می‌افزاید: «از مجموعه خانواده‌هایی که فاقد مجوز اسکان در کشورمان بودند هزارو ۹۱۰ کودک به همراه خانواده رد مرز شده‌اند و بقیه موارد هم به مراکز ارجاع شده‌اند.»

طبق توضیحات مدیر کل سازمان بهزیستی تهران ۶۸۱ کودک ایرانی حاضر در خیابان و سر چهارراه‌ها ساماندهی شدند. وی تصریح می‌کند: «از بین خانواده‌های کودکان ایرانی حاضر در خیابان تقریباً ما خانواده نیازمندی شناسایی نکردیم، بلکه خانواده‌هایی بودند که به لحاظ فرهنگی کودک باید کار کند.»

به گفته نصیری با هماهنگی با دستگاه قضایی ساماندهی این کودکان انجام شده‌است. وی می‌افزاید: «البته امسال بنا به تعهد مجموعه‌های بین‌المللی مانند یونیسف برای حمایت از خانواده‌هایی که نیاز مالی دارند نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان برای حمایت از خانواده‌هایی که به هر دلیل دچار مخاطره هستند، برای جلوگیری از کار کودکانشان به هر خانواده ۷ میلیون تومان تخصیص پیدا کرده‌است.»

■ کودکان کار پنهان در کارگاه‌های زیرزمینی

اما کودکان خیابانی تنها جلوه کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی در حوزه کار کودکان نیست. حتی می‌توان گفت، کودکان کار و کودکان خیابانی از دو دنیای مختلف می‌آیند. کودکان کار، کودکانی هستند که به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال خانوادگی، اجتماعی، مشکلات عدیده اقتصادی، ساعاتی از عمر خود را در شبانه روز به کار کردن در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و منازل مردم جهت کارگری می‌گذرانند. بسیاری از آنها کمک خرج خانواده و برخی دیگر خود به تنهایی عهده دار مخارج خانواده هستند. این کودکان خیلی وقت‌ها نه در خیابان بلکه در کارگاه‌های زیرزمینی و بدون رعایت حداقل حقوق و شرایط استاندارد و بهداشتی مشغول به کار هستند و اغلب اوقات با آسیب‌های جسمی و آسیب‌های اجتماعی متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. این کودکان بخش پنهان آسیب‌های اجتماعی هستند که نماد بیرونی مشخصی ندارند و حضورشان در خیابان‌ها و سر چهارراه‌ها چهره شهر را نازیبا نمی‌کند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این در حالی است که بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ایران، اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و در صورتی که کارفرمایی افراد زیر ۱۵سال را به خدمت بگیرد، متخلف شمرده و مشمول مجازات از جریمه نقدی و حبس تا پلمب کارخانه و ابطال پروانه کار می‌شود. با وجود این، بسیاری از کارفرمایان در شرایط غیررسمی و زیر زمینی ترجیح می‌دهند به سراغ کارگران غیر رسمی بروند تا با کمترین هزینه و پرداخت حق و حقوق و بیمه و خدمات معمول بیشترین بهره وری را از آنها داشته باشند، به همین‌خاطر هم کودکان و اتباع غیر مجاز را با حداقل دستمزد به کارگیری می‌کنند.

کار کودک در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک منع شده‌است، با این حال در بسیاری از نقاط جهان کودکان در بخش‌های مختلف کار می‌کنند.

آمار نشان می‌دهد بیشتر این کودکان پسرانی هستند که از سنین پنج سال تا ۱۸ سال مشغول به کارهای گوناگونند و اکثرشان دارای خانواده‌های پرجمعیت هستند. برخی از آنها بعد از کار کردن به نزد خانواده باز می‌گردند، اما برخی ارتباط‌شان با خانواده به کل قطع شده و برخی دیگر کم و بیش ارتباط دارند.

■ کار سخت و مزد ناچیز

کار کودک ویژگی‌هایی دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مزد ناچیز و ناعادلانه اشاره کرد. مزد اغلب کودکان کار آنچنان کم است که حتی برای رفع نیازهای اصلی زندگی کفاف خرج آنها را نمی‌دهد. اکثر مواقع حتی آن حقوق ناچیز را هم به خود کودک نمی‌دهند؛ یا پدر و مادر کودک یا دیگر اعضای خانواده دریافت می‌کنند. همچنین فرمانبرداری و انعطاف‌پذیری کودک کار از دیگر اشخاص بیشتر است. از طرفی در اکثر موراد این کودکان در مکان هایی مشغول به فعالیت هستند که مجوز کار نداشته و غیرقانونی هستند. در نتیجه به علت عدم‌نظارت نهادی بر آن فعالیت، کار کودک نیز از شرایط نامطلوبی خواهد بود.

در سال ۱۳۹۶ گزارش جامعی توسط «مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» درباره کار کودک انجام شده‌است که در بخشی از این گزارش بررسی وضع فعالیت کودکان ۱۷-۱۰ ساله کشور در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد از حدود ۹ میلیون کودک، حدود ۴۹۹ هزار کودک فعال شاغل و در جست‌وجوی کار هستند که نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ با افزایش ۹۶ درصدی و ۶۰۰ درصدی روبه‌رو بوده‌اند. همچنین طبق اعلام مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۷ نیز بین ۳ تا ۷ میلیون کودک کار در ایران مشغول به کار هستند که به دلایل مشکلات اقتصادی، بیماری والدین(اعتیاد)، آسیب‌پذیر بودن خانواده و عدم وجود منبع فرهنگی برای تأمین امورات زندگی خود و خانواده مجبور به کار کردن در اماکن مختلف مانند مراکز زباله‌سوزی، کارگاه‌های تولیدی، جمع‌آوری ضایعات آهن و پلاستیک مشغول به کار هستند.

هر چند همکاری میان نهادهای مختلف به خصوص بهزیستی، شهرداری و دادستانی برای ساماندهی کودکان خیابانی و جمع کردن آنها از سطح خیابان ستودنی است، اما بخش پنهان کودکان در معرض آسیب در کارگاه‌ها و مراکز زیر زمینی هم نیازمند ورود جدی و دخالت و حمایت هستند تا در چرخه آسیب‌های اجتماعی از دست نروند.

گزارش ۲

مهسا گربندی

درس تلخ ایمنی در دانشگاه تهران

مرگ یک دانشجوی ارشد و مصدومیت دو نفر دیگر، زنگ خطر بی‌توجهی به ایمنی در آزمایشگاه‌ها را دوباره به صدا در آورد

ظهر پنج‌شنبه، دانشگاه تهران یک دانشجویش را از دست داد، نه در حادثه‌ای بیرونی، که در دل آزمایشگاهی که قرار بود خانه علم باشد! انفجار در دانشکده فنی، پژوهش را نیمه‌کاره گذاشت و زندگی یک جوان را برای همیشه متوقف کرد. جایی که دانشجویان دوره کارشناسی ارشد در آزمایشگاه دانشکده فنی مشغول پژوهش و گشودن درهای تازه‌ای به دنیای علم بودند، ناگهان انفجاری مهیب همه چیز را دگرگون کرد. صدای ترسناک این انفجار، سکوت علمی آن روز را شکست و به سرعت خبرش در دل‌های دانشجویان، اساتید و خانواده‌ها سنگینی کرد. مهندس محمدامین کلاته، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، در جریان تعویض کپسول گاز هیدروژن جان خود را از دست داد. این حادثه تلخ، نه تنها به جامعه دانشگاهی شوکی عمیق وارد کرد، بلکه بار دیگر زنگ خطر را در خصوص ایمنی آزمایشگاه‌ها و شرایط محیط‌های تحقیقاتی به صدا در آورد.

هر چند مسئولان دانشگاه و وزارت علوم وارد عمل شدند و وعده دادند که همه زوایای این فاجعه به دقت بررسی می‌شود، اما سؤالی که اکنون در ذهن همه قرار دارد، این است که آیا در دل این فضای پر از علم و نوآوری، بستر کافی برای حفاظت از جان و سلامت دانشجویان فراهم است؟

■ پایان تلخ یک روز علمی

حدود ساعت ۲ و نیم بعدازظهر روز پنج‌شنبه، حادثه‌ای ناگهانی فضای یکی از آزمایشگاه‌های دانشکده مهندسی مواد و متالورژی دانشگاه تهران را لرزاند. در جریان تعویض کپسول گاز هیدروژن، انفجاری رخ داد که به کشته‌شدن یک دانشجوی کارشناسی ارشد و آسیب دیدن دو دانشجوی دیگر انجامید. دکتر محمدرضا تقی‌دخت، معاون اجرایی حوزه ریاست دانشگاه تهران، در نخستین واکنش رسمی به این رخداد گفت: «علت حادثه تعویض کپسول گاز هیدروژن هنگام فعالیت‌های آزمایشگاهی بوده است. خوشبختانه حال دو مصدوم دیگر این حادثه مناسب گزارش شده‌است.»

در حالی که شرایط جسمی دو مصدوم حادثه «مناسب» توصیف شده، جامعه دانشگاهی در بهت و سوگ از دست دادن محمدامین کلاته به سر می‌برد، دانشجویی که گفته می‌شود یکی از چهره‌های فعال و پرتلاش در حوزه پژوهش‌های مهندسی بوده‌است. از سوی دیگر آنچه این حادثه را تلخ‌تر می‌کند، این است که هر سه نفر حاضر در محل، از دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی بوده‌اند، جوانانی که در دل مسیر علمی خود، قربانی حادثه‌ای شدند که می‌توانست با اندکی پیشگیری، به شکلی دیگر رقم بخورد.

■ پیگیری فوری و هشدار درباره ایمنی

این انفجار در یکی از آزمایشگاه‌های تخصصی مواد و متالورژی رخ داد، فضایی که معمولاً محل اجرای پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته‌است و با تجهیزات حساس و مواد شیمیایی پرخطر سروکار دارد. این یعنی باید همه تمهیدات برای سلامت و حفظ جان دانشجویان اندیشیده می‌شد.

پس از حادثه، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، طی تماسی با رئیس دانشگاه تهران، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت درمانی مصدومان شد و دستوراتی را در این خصوص صادر کرد. عارف همچنین با اشاره به اهمیت ایمنی در مراکز تحقیقاتی دانشگاهی گفت: «لزوم رعایت شرایط ایمنی در آزمایشگاه‌های دانشگاهی بیش از گذشته احساس می‌شود. این حادثه تلخ نباید بدون بررسی دقیق باقی بماند.»

او با ابراز همدردی، درگذشت دانشجوی جان‌باخته را به خانواده او و جامعه دانشگاهی کشور تسلیت گفت.

■ وعده برای روشن‌شدن حقیقت

چند ساعت پس از وقوع حادثه، هیئت‌رئیسه دانشگاه تهران، با انتشار بیانیه‌ای، جان‌باختن مهندس محمدامین کلاته، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده فنی را تأیید کرد و تسلیت گفت. در این پیام آمده‌است: «این ضایعه ناگوار، خانواده بزرگ دانشگاه تهران را داغدار کرد. برای روح این دانشجوی عزیز، رحمت واسعه الهی و برای خانواده محترم او صبر مسئلت داریم.» در ادامه این بیانیه، نام دو دانشجوی مصدوم نیز اعلام شد: «مهندس فاطمه کفاش و مهندس رضا پارسی.» دو نفری که بلافاصله پس از انفجار به بیمارستان منتقل شده و تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار گرفته‌اند.

دانشگاه همچنین وعده داده که تیم‌های تخصصی از همان ابتدا، برای بررسی دقیق علت انفجار وارد عمل شده‌اند و نتایج نهایی پس از تکمیل تحقیقات اعلام خواهد شد. بدون شک افکار عمومی و جامعه دانشگاهی، منتظر پاسخ‌هایی شفاف درباره اینکه دقیقاً چه عاملی باعث این فاجعه شده، مانده‌اند.

■ روایت‌هایی از درون حادثه

با علنی‌شدن حادثه انفجار در دانشگاه تهران، وزیر علوم، نماینده ویژه‌ای را برای پیگیری موضوع معرفی کرد. دکتر ابوالفضل واحدی، معاون آموزشی وزارت علوم، در همراهی با رئیس دانشگاه تهران و جمعی از مسئولان ارشد دانشگاه، به بیمارستان محل بستری دو دانشجوی مصدوم رفت تا از نزدیک در جریان روند درمان قرار گیرد. او پس از بررسی وضعیت این دو دانشجو و گفت‌وگو با کادر درمان به رسانه‌ها گفت: «از همان دقایق اولیه، تمام اقدامات درمانی از جمله سی‌تی‌اسکن، ام‌آرآی و آزمایش‌های تشخیصی برای دانشجویان انجام شده است. خوشبختانه وضعیت عمومی آنها در حال حاضر پایدار است.»

اما آنچه در اظهارات نماینده وزیر علوم توجه‌ها را جلب کرد، اشاره به این نکته بود که فعالیت‌های روز حادثه، مطابق با روال استاندارد آزمایشگاه پیش رفته‌است. واحدی با استناد به گفت‌وگوهایی که با مدیر آزمایشگاه و مسئولان دانشگاه انجام داده، تأکید کرد: «همه فعالیت‌ها طبق نرم‌های رایج آزمایشگاهی بوده و دانشجویان در کنار اساتید و مدیر آزمایشگاه، مشغول انجام پروژه پژوهشی بودند که این اتفاق رخ داد.»

همین اظهارنظر پرسشی اساسی را به میان می‌کشد، اینکه اگر همه‌چیز مطابق با نرم‌های رایج پیش رفته، پس دقیقاً چه چیزی باعث وقوع انفجار شده‌است؟ و اگر مشکلی در اجرای دستورالعمل‌ها نبوده، چرا حالا مسئولان، یکی پس از دیگری، بر «ضرورت بازنگری در رویه‌های ایمنی» تأکید می‌کنند؟

دکتر واحدی این حادثه را «تلخ و تأسف‌بار» خواند و در پایان بار دیگر بر لزوم پیشگیری از رخدادهای مشابه اشاره کرد، اما برای جامعه دانشگاهی، آنچه اکنون اهمیت دارد، نه فقط ابراز تأسف، که پاسخ به همین تناقض‌ها و بازنگری واقعی در استانداردهای ایمنی است، پیش از آنکه حادثه‌ای دیگر، یادآوری تلخ‌تری باشد.

■ ایمنی برای اجراست نه بایگانی در آیین‌نامه

حادثه انفجار در آزمایشگاه دانشکده فنی دانشگاه تهران، نه اولین است و نه متأسفانه آخرین خواهد بود. این بار اما، حساسیت افکار عمومی، حضور رسانه‌ها و واکنش سریع مسئولان، فرصتی مهیا کرده تا صدای هشدار جدی‌تری از همیشه شنیده شود. آیا وقت آن نرسیده که ایمنی، نه به‌عنوان یک بند در آیین‌نامه و بایگانی شدن در آن، بلکه به‌عنوان یک اصل در فرهنگ پژوهش، نهادینه شود؟

دانشجویان، سرمایه‌های فکری این سرزمین هستند، کسانی که با امید به آینده‌ای روشن، وارد فضای آزمایشگاه می‌شوند، نه با تصور بازگشت در آمبولانس! بنابراین وقتی حتی فعالیت‌هایی که به گفته آقایان مسئول «مطابق نرم‌های رایج» انجام شده است، به حادثه‌ای مرگبار ختم می‌شوند، این یعنی نرم‌ها باید بازتعریف شوند، نهادها باید پاسخگو باشند و سیستم‌های ایمنی باید مورد بازبینی قرار گیرند.

جامعه دانشگاهی اکنون فقط به تسلیت اکتفا نمی‌کند. آنها انتظار دارند این‌بار، نه فقط گزارش‌ها، بلکه تصمیم‌ها تغییر کند. حال آیا این انفجار، سرآغاز یک اصلاح عمیق خواهد بود؟ یا باز هم در هیاهوی اخبار دیگر، به فراموشی سپرده خواهد شد؟ پاسخ به این پرسش، آزمونی است برای جدیت نهادهای مسئول و صد البته سنجشی برای اینکه علم، تا چه اندازه در امنیت پیش می‌رود.

از شهر

دستفروشان مترو شناسنامه‌دار شدند

مدیر عامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه در خصوص فعالیت دستفروشان در مترو توضیحاتی ارائه کرد و گفت: طبق افکارسنجی‌های ما بیش از ۵۰ درصد شهروندان نسبت به حضور دستفروشان در مترو مشکلی ندارند.

مسعود لطفی، مدیر عامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه درباره وضعیت ساماندهی دستفروشان در ایستگاه‌های مترو با بیان اینکه موضوع دستفروشان مترو مسئله‌ای چندبعدی است، اظهار کرد: نخستین پیامد حضور آنها این است که فضای آرام و قابل‌قبولی برای مسافران فراهم نمی‌شود. با این حال، طبق افکارسنجی‌های ما بیش از ۵۰ درصد شهروندان نسبت به حضور دستفروشان مشکلی ندارند. بنابراین، ما باید هم اقدامات فرهنگی انجام دهیم و هم از ظرفیت رسانه‌ها برای فرهنگ‌سازی استفاده کنیم.

وی ادامه داد: در گام نخست، تمامی دستفروشان مترو شناسنامه‌دار شده‌اند؛ یعنی اطلاعات هویتی، شماره ملی و شماره تماس آنها در اختیار ما است. در این مرحله، از آنها تعهد گرفته می‌شود که دیگر در مترو فعالیت نکنند. در گام دوم نیز با دستور قضایی، اموال دستفروشان برای مدت مشخصی توسط یگان حفاظت ضبط و نگهداری می‌شود و در صورت تکرار، این مدت زمان طولانی‌تر خواهد شد. علاوه بر این، دستفروشان اتباع خارجی به‌طور کامل منع شده‌اند و اکنون تقریباً حضور جدی در مترو ندارند. مدیر عامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران به خبرگزاری ایسنا گفت: بازار بزرگ مترو با حجم بالای مسافر برای دستفروشان جذابیت ایجاد می‌کند و همین امر بازگشت آنها را تسهیل می‌کند. به همین دلیل نیازمند همکاری دستگاه‌های قانونی هستیم. با وجود این، مهم‌ترین اقدام فرهنگی این است که شهروندان از دستفروشان خرید نکنند، چراکه خرید از آنها به اقتصاد غیررسمی و قاچاق، کالاهای بی‌کیفیت و حتی کلاهبرداری دامن می‌زند. ضمن اینکه محیط عمومی مترو هم تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

وی تأکید کرد: اگر مردم همراهی کنند و خرید نکنند، دستفروشان بازار خود را از دست می‌دهند. این اولین و مهم‌ترین گام است. در ادامه نیز همه دستگاه‌ها باید دست به دست هم دهند تا مشکل قانونی حضور دستفروشان در مترو به‌طور کامل برطرف شود. خوشبختانه همکاری خوبی با دستگاه قضایی داشته‌ایم و اقدامات انجام‌شده نیز با کمک این نهاد صورت گرفته است.

گزیده

۱۱۰ هزار خدمت رایگان پزشکی در هفته دفاع مقدس

رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی از ارائه ۱۱۰ هزار خدمات تشخیصی، درمانی و دارویی به حدود ۱۱۰ هزار نفر از هموطنان نیازمند و ساکن در مناطق کمتر برخوردار در هفته دفاع مقدس خبر داد.

محمدحسین زارع‌زاده، رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی در خصوص اجرای گسترده برنامه‌های سلامت محور این سازمان در ایام هفته دفاع مقدس گفت: در این ایام ۶۲۲ تیم درمانی برای اجرای اردوهای جهادی به مناطق محروم اعزام شدند. همچنین با برپایی ۶۳میز خدمت سلامت در مصلی‌های نماز جمعه سراسر کشور، خدمات رایگان به شهروندان ارائه شد.

زارع‌زاده از راه‌اندازی دو بیمارستان موقت صحرایی در مناطق محروم «شیرآباد» استان سیستان و بلوچستان و «بافق» استان یزد خبر داد و گفت: این مأموریت‌ها با همراهی هزارو ۴۲۲ پزشک و بیش از ۴هزار جهادگر سلامت به انجام رسید. وی در ادامه بیان کرد: در مجموع این اقدامات، خدمات تشخیصی، درمانی و دارویی به حدود ۱۱۰ هزار نفر از هموطنان نیازمند و ساکن در مناطق کمتر برخوردار ارائه شد.

رئیس سازمان بسیج جامعه پزشکی در خصوص این اردوهای جهادی توضیح داد: اردوهای جهادی و درمانی بسیج جامعه پزشکی از سال‌ها پیش و با حضور داوطلبانه پزشکان، پرستاران و سایر کارکنان حوزه سلامت با محوریت خدمت‌رسانی به مناطق محروم و دورافتاده کشور، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های این سازمان تداوم یافته‌است.

وی در ادامه بیان کرد: این اردوها همه‌ساله به ویژه در ایام تعطیل و مناسبت‌های مختلف، با هدف ارائه خدمات سلامت به شهروندان محروم و مرزنشین کشور برگزار می‌شود.

خبر کوتاه

■ سال گذشته نزدیک به ۷ هزار معتاد به دلیل سوءمصرف مواد مخدر جان خود را از دست داده‌اند.

■ مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران اعلام کرد: ورود موتورسیکلت‌ها به محدوده طرح ترافیک از سال آینده ممنوع و محدود می‌شود و لایحه آن در شورای شهر در حال بررسی است.

■ معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش‌وپرورش از ابلاغ بخشنامه توزیع شیر مدرسه به استان‌ها خبر داد.

■ متروی تهران هزار واگن کم دارد. به رغم این موضوع رئیس شورای شهر تهران، مهدی چمران گفت که «دولت پول خرید واگن‌های جدید را نداده‌است». گفتنی است دو سال پیش، شهرداری تهران قرارداد خرید ۷۹۱ دستگاه واگن مترو را با مبلغ ۷۸۳ میلیون یورو (معادل ساخت حدود ۱۵۰ کیلومتر خط مترو جدید) با چین بست. دولت باید ۱۵ درصد معادل ۱۱۷ میلیون یورو را پرداخت می‌کرد، اما این اتفاق نیفتاد و شهرداری مجبور شد بخشی از پول را پرداخت کند تا قرارداد منتفی نشود.

■ رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور با بیان اینکه طرح سنجش سلامت نوآموزان بدو ورود به دبستان برای سال تحصیلی آینده از ۲۰ شهریور آغاز شده گفت: بناست سنجش تا دی ماه تمام شود و پیش‌بینی می‌شود ۲ میلیون نوآموز در این طرح، سنجش شوند.

■ حدود نصف زندانیان مهریه در پنج استان کشور نگهداری می‌شوند: استان‌های تهران با ۳۴۵ زندانی، فارس با ۳۴۳ زندانی، خراسان رضوی با ۱۸۹ زندانی، اصفهان با ۱۸۶ زندانی و مازندران با ۱۳۴ زندانی تقریباً هزارو ۲۰۰ نفر از زندانیان مهریه را پذیرا هستند.

■ در حالی میانگین جهانی استفاده از کلاه ایمنی در میان موتورسواران طی چهار دهه گذشته ۴۹ درصد اعلام شده که ایران با نرخ نگران کننده ۲۹ درصد در پایین‌ترین سطوح ایمنی قرار دارد یعنی یک سوم، این رقم در میان قربانیان تصادف به ۲۰ درصد کاهش می‌یابد؛ یعنی کمتر از یک‌پنجم موتورسواران آسیب‌دیده از کلاه ایمنی استفاده کرده‌اند.